

اشتقاق تاریخی: شباهت‌های آوایی و نوشتاری میان پشتو و اردو

* مهین‌ناز میردهقان

دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

هدف از مقاله حاضر بررسی ریشه‌های تاریخی و چگونگی خویشاوندی زبان‌های پشتو (از شاخه زبان‌های ایرانی شرقی) و اردو (از شاخه زبان‌های هندی) در تبارشناسی خانواده‌های زبانی در جهان می‌باشد. توصیف فوق که با نگرشی عام ارائه شده، همراه با نمایی کلی از نکات اشتراک و افتراق میان نظام‌های آوایی و نوشتاری در دو زبان مورد بررسی ارائه گردیده است. کلیدواژه‌ها: رده‌شناسی زبان، زبان‌های هندوایرانی، زبان‌های ایرانی جنوب شرقی، زبان‌های هندی، نظام‌های آوایی و نوشتاری

Historical Derivation: Phonological and Orthographic Similarities between Pashto and Urdu

Mahinnaz Mirdehghan

Assistant Professor, Department of Linguistics

Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University

Abstract

The present article is a short survey of the historical roots and familial relationship between Pashto and Urdu, which geneologically are among the Eastern Iranian and Indic branches respectively. The general description will be followed by an account for the characteristic patterns of similarities and differences between the phonological systems and orthographic systems of the two languages.

Keywords: Language Typology, Indo-Iranian Languages, Iranian Southeastern Branch, Indic Branch, Phonological and Orthographic Systems

* دکترای زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه فردوسی مشهد، استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

1- مقدمه

گستره زبانی مورد بررسی در مقاله حاضر محدود به زبان‌های پشتو (از شاخه زبان‌های ایرانی جنوب‌شرقی) و اردو (از شاخه زبان‌های هندی) از خانواده زبان‌های هندو ایرانی می‌گردد، که در دسته‌بندی‌های تبارشناختی خانواده‌های زبانی در جهان در فراخانواده زبان‌های «هندو اروپایی» واقع می‌شوند.

روابط خویشاوندی و نیز چگونگی اشتقاق تاریخی هریک از زبان‌های فوق در این مقاله مورد بحث واقع شده، و براین اساس تأثیر تبار مشترک آنان در نظام‌های آوایی و نوشتاری این دو زبان مورد بررسی قرار گرفته است.

تحلیل‌های زبانی ارائه شده ماهیتی تطبیقی دارند و بر این اساس استخراج اشتراک‌ها و افتراق‌های موجود میان نظام‌های مزبور مقدمات لازم را در ارائه تحلیل‌هایی مبتنی بر تفکیک‌های رده‌شناختی به ویژه نظام‌های ساختواژی فراهم می‌سازد.

2- نیای مشترک: فراخانواده زبان‌های هندو اروپایی، خانواده هندو ایرانی

در پژوهش‌های تاریخی و دسته‌بندی رده‌شناختی زبان‌ها، فراخانواده زبان‌های «هندو اروپایی»¹، در میان سایر خانواده‌های زبانی، از اهمیتی به سزا برخوردار بوده و مورد گسترده‌ترین مطالعات واقع شده است. این گروه زبانی که از حدود هزاره اول پیش از میلاد در بخش بزرگی از اروپا و جنوب غربی آسیا رایج بوده و از نیمه دوم قرن پانزدهم میلادی در آمریکا، آفریقا و اقیانوسیه نیز رایج گشته است، شامل بیشترین زبان‌های قاره اروپا و نیز زبان‌های ایران و هند می‌شود (به نقل از ابوالقاسمی 1373: 5)، و خود متشکل از گروه‌های زیر می‌باشد:

هندوایرانی² (آریایی)، آناتولیایی، یونانی، ایتالیایی، ژرمنی، ارمنی، تخیاری، سلتی، بالتی - اسلاوی، و آلبانیایی شاخه «هندو ایرانی» (آریایی)، از این فراخانواده زبانی، که در اینجا مورد نظر می‌باشد، مشتمل است بر زبان‌های (کهن و نو) کشورهای امروزی هندوستان، ایران، و برخی نواحی همجوار آن‌ها، و خود از دو شاخه مجزا تشکیل یافته است:

1 - هندی (هندی - آریایی)³

2 - ایرانی (ایرانی - آریایی)⁴

1 - Indo-European super family

2 - Indo-Iranian

3 - Indic (Indo-Aryan)

4 - Iranian (Irano-Aryan)

زبان‌های هندی از پیش از هزاره اول پیش از میلاد مسیح تاکنون در شمال و بخش مرکزی هند و پاکستان رایج بوده‌اند. مهم‌ترین و کهن‌ترین زبان این گروه، سانسکریت یعنی زبان مقدس هندوها و صورت متأخرتر آن، زبان بودایی‌هاست،⁵ و بیشتر زبان‌های جدید هندوستان از جمله هندی/اردو، بنگالی و مراتی از گونه‌های مختلف زبان سانسکریت انشعاب یافته‌اند. تاریخ زبان‌های هندی به سه دوره اصلی، مشتمل بر دوره‌های هندی باستان، هندی میانه، و هندی نو، قابل تقسیم است که در جدول 1، برگرفته از دی‌یو و شرما⁶ (2006: 4)، نمایش داده شده است.⁷

جدول 1 - تاریخ زبان‌های هندی

دوره زبانی	زبان‌های هندی	مقطع زمانی
هندی - آریایی باستان	ودایی سانسکریت کلاسیک زبان‌های پالی و پراکریت	تا 600 پیش از میلاد از 600 پیش از میلاد الی 200 میلادی از 200 پیش از میلاد الی 700 میلادی
هندی آریایی میانه	آپبرامشا	700 - 1100 میلادی
هندی آریایی نو	هندی/اردو، بنگالی، مراتی	1000 میلادی - تاکنون

امروزه زبان‌های هندی، عمدتاً در هندوستان، پاکستان، بنگلادش، نپال، سری لانکا، و جزایر مالدیو از حدود 640/000/000 سخنگو برخوردارند (ماسیکا⁸ 1991: 8). گرچه این زبان‌ها تنها زبان‌های به کار برده شده در این کشورها نمی‌باشند، لیکن سخنگویان آن‌ها در تمامی موارد تشکیل دهنده اکثریت می‌باشند.

زبان‌های ایرانی (ایرانی آریایی)، از هزاره اول پیش از میلاد مسیح در ایران و افغانستان، و در شمال در منطقه میان مجارستان و ترکستان چین رایج بوده‌اند. قدیمی‌ترین گونه‌های این شاخه، اوستایی و فارسی باستانند. که اوستایی، زبان اوستا، کتاب مقدس زردشتیان و فارسی باستان، زبان رسمی داریوش کبیر (سلطنت از 522 تا 486 پیش از میلاد مسیح) و خشایار (سلطنت از 486 تا 465 پیش از میلاد) و جانشینان آنان است (ابوالقاسمی 1373: 6).

5 - کهن‌ترین متون سانسکریت موجود، وداها هستند که قدمت برخی از آن‌ها به حدود 1200 سال پیش از میلاد برمی‌گردد.

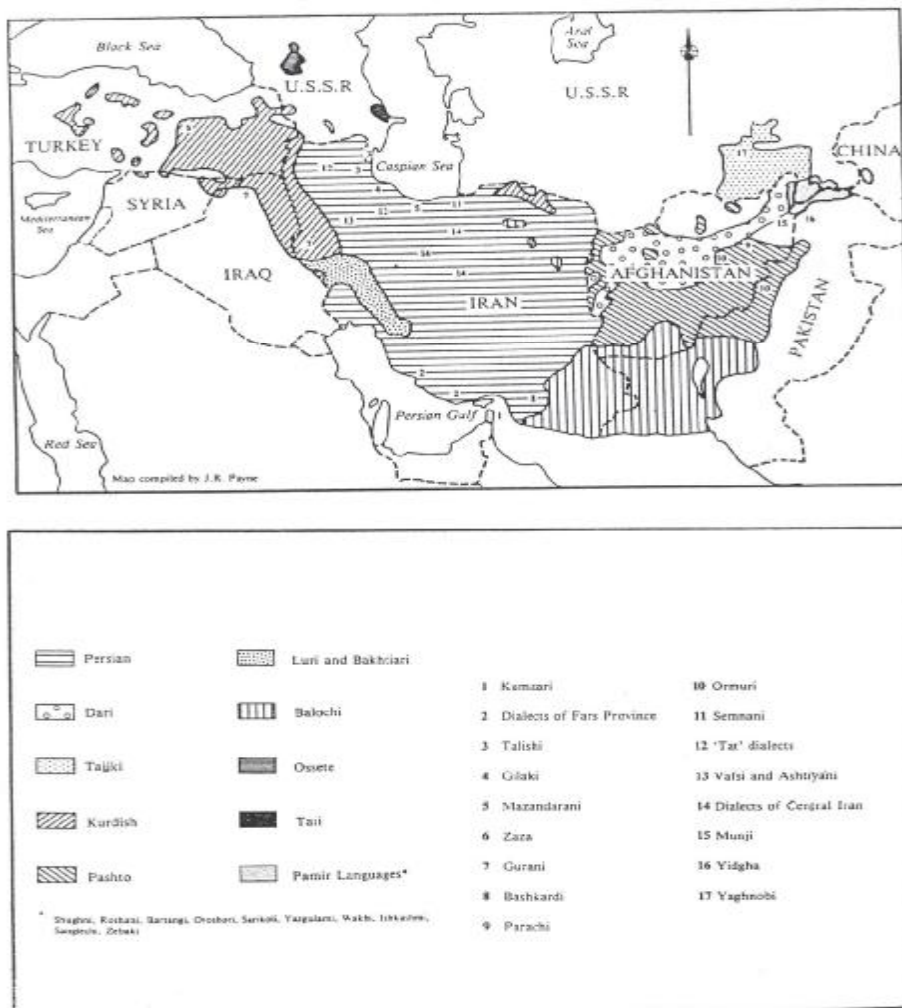
6 - Deo and Sharma

7 - البته می‌باید توجه داشت که تقسیم‌بندی زبان‌ها به دوره‌های مختلف به شکل اجتناب ناپذیری جنبه قراردادی دارد.

8 - Masica

خانواده زبان‌های ایرانی مشتمل است بر زبان‌های: فارسی، تاجیکی، پشتو (افغانی)، آسی، کردی، تاتی، تالشی، بلوچی، زبان‌های پامیر (شغنی، روشانی، و غیره) و نیز تعدادی از زبان‌ها و گویش‌های دیگر که در ایران کنونی، افغانستان، آسیای مرکزی، پاکستان و دیگر کشورهای شرقی به آن‌ها تکلم می‌گردد (صادقی 1378: 25).

توزیع جغرافیایی تقریبی این زبان‌ها، به اقتباس از پاپنه (1987: 516)، در نقشه (1) در پیوست ارائه شده است.



نقشه 1 - توزیع جغرافیایی زبان‌های ایرانی

تاریخ زبان‌های ایرانی، همچون زبان‌های هندی، به سه دوره اصلی قابل تقسیم است، که نقطه آغاز تقسیم‌بندی تاریخی فوق را از زمان شروع جدایی آنان از کل زبان‌های هندی دانسته‌اند. تاریخ مزبور، که مقارن با آغاز هزاره دوم پیش از میلاد به‌شمار آمده، آغاز تحول و گسترش زبان‌های ایرانی، به عنوان یک گروه زبانی خاص است. دوره‌های تاریخی فوق را می‌توان به اختصار در جدول 2 مشاهده نمود.⁹

جدول 2 - تاریخ زبان‌های ایرانی

دوره زبانی	زبان‌های ایرانی	مقطع زمانی
ایرانی باستان	فارسی باستان و اوستا	آغاز هزاره دوم پیش از میلاد الی چهارم و سوم پیش از میلاد
ایرانی میانه	فارسی میانه، پارتی، سعدی، ...	قرن چهارم و سوم پیش از میلاد الی قرن‌های هشتم و نهم میلادی
ایرانی نو	فارسی، پشتو، بلوچی، کردی، آسی	قرن‌های هشتم و نهم میلادی - تاکنون

مهم‌ترین زبان‌های دوره ایرانی نو عبارتند از: فارسی، پشتو، بلوچی، کردی و آسی، که به صورت غیرمترکم در سرزمین وسیع میان حوضه دجله در غرب و حوضه سند و ترکستان شرقی در شرق، و کوه‌های قفقاز در شمال و سواحل خلیج فارس و دریای عمان در جنوب پراکنده‌اند (صادقی 1378: 26).

از عمده نکات مطرح در طبقه‌بندی و تحول تاریخی زبان‌های ایرانی، تقسیم‌بندی افزوده گویش‌های ایرانی به دو گروه اصلی، غربی و شرقی است.

جدایی گویش‌های غربی از شرقی که به دوران باستان زبان‌های ایرانی باز می‌گردد، مبنای تقسیم‌بندی فوق واقع شده است. به طوری که، صورت‌های دنباله گویش‌های ایرانی غربی باستان را زبان‌های ایرانی غربی، و دنباله‌های گویش‌های ایرانی شرقی را زبان‌های ایرانی شرقی به‌شمار آورده‌اند، که هر یک، به نوبه خود، تقسیم‌بندی‌های افزوده‌ای را به دنبال دارند. در این ارتباط، زبان‌های غربی شاخه‌های جنوب غربی و شمال غربی، و زبان‌های شرقی، شاخه‌های شمال شرقی و جنوب شرقی، را در برمی‌گیرند.

9 - زمان‌بندی جدول 3 به نقل از صادقی (1378: 43) ارائه شده است.

از شاخه جنوب غربی، که در دوره باستان در منتهالیه جنوب غربی منطقه رواج زبان‌های ایرانی به کار می‌رفته است، امروزه لهجه‌های متعدد فارسی - تاجیکی افغانستان، تالشی، گویش‌های بختیاری و لری، گویش کمزاری و قسمت عمده گویش‌های محلی فارس مشتق شده است. از شاخه شمال غربی نیز، که دنباله گویش‌های باستانی در بخش شمالی و شمال غربی فلات ایران است، می‌توان از گویش‌ها و زبان‌های امروزی کردی، زارا، تالش، بلوچی، تعدادی از گویش‌های غرب ایران و آذربایجان ایران، گیلکی و مازندرانی، گویش‌های متعدد ایران مرکزی و غربی و چند گویش استان فارس نام برد (به نقل از صادقی 1378: 164).

از زبان‌های ایرانی نو، آسی دنباله شاخه شمال شرقی و پشتو دنباله شاخه جنوب شرقی است (بنگرید به بخش 2 - 2).¹⁰

گونه‌های نوین زبانی که، در مقاله حاضر، به ویژه با هدف فراهم آوردن نکات اشتراک و افتراق میان نظام‌های آوایی و نوشتاری آنان، مورد بحث و بررسی واقع شده‌اند، اردو (هندی) از شاخه زبان‌های هندی، و پشتو از شاخه زبان‌های ایرانی شرقی (جنوب شرقی) را دربرمی‌گیرد (توزیع جغرافیایی زبان‌های مجاور فوق در نقشه نمایانده شده است). شایان ذکر است که گونه‌های زبانی مورد بررسی در این مقاله، در ابعادی وسیع‌تر برگرفته از منطقه زبانی جنوب آسیا¹¹ به‌شمار می‌آیند. منطقه زبانی فوق، که در نقشه 2، به اقتباس از اسچوارتزربرگ¹² (1975) نمایش داده شده است زبان‌های هندی آریایی، ایرانی، داردیک¹³، تیباتان¹⁴ و دراویدی¹⁵ را در برمی‌گیرد (به نقل از کلیمن 1987: 62).

10 - از نظر آواشناسی تاریخی، متمیزترین تفاوت میان زبان‌های ایرانی غربی و شرقی چگونگی ابقای همخوان‌های انسدادی واکدار آغازین ایرانی باستان (g-d-b) است. در زبان‌های غربی همخوان‌های مذکور صورت آغازین خود را حفظ کرده‌اند، در حالی که در زبان‌های شرقی به‌طور کلی به سایشی‌های متناظر خود، یعنی v- (w-) و δ و γ بدل شده‌اند (صادقی 1378: 165). برای نمونه در بررسی روند تحول همخوان g در نمونه واژه gauša «گوش» از ایرانی باستان با صورت‌ها γwaž در پشتو، و gōš در بلوچی مواجه می‌شویم.

از دیگر ویژگی‌های متمایز سازنده ایرانی‌های شرقی از غربی وجود همخوان‌های مرکب dz, ts در زبان‌های شرقی و فقدان آن‌ها در زبان‌های غربی است (همان: 128)، که برای نمونه می‌توان از تحول همخوان č در نمونه واژه باستان panča «پنج» و تبدیل آن به pindzá در پشتو، و panč در بلوچی نام برد.

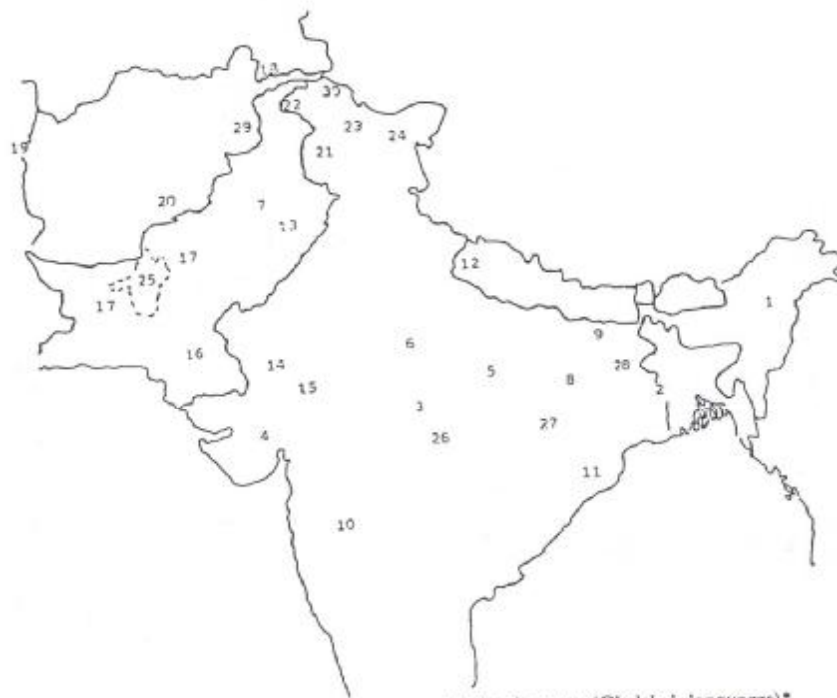
همچنین شایان ذکر آن‌که، زبان‌های ایرانی شرقی، در مجموع، نظام تصرفی اسم در ایرانی باستان را بهتر از زبان‌های غربی حفظ کرده‌اند. 11 - برای بحث مفصل‌تر پیرامون منطقه زبانی جنوب آسیا بنگرید به ماسیکا (1976).

12 - Schwartzberg

13 - Dardic

14 - Tibetan

15 - Dravidian



Indo-Aryan family

- 1. Assamese
- 2. Bengali
- 3. Bundeli
- 4. Gujarati
- 5. Eastern Hindi
- 6. Western Hindi
- 7. Lahnda
- 8. Magahi*
- 9. Maithili*
- 10. Marathi
- 11. Oriya*
- 12. Nepali
- 13. Panjabi
- 14. Marwari (Rajasthani)
- 15. Mewari (Rajasthani)
- 16. Sindhi

Iranian

- 17. Baluchi

18. Pamir group (Ghalchah languages)*

- 19. Persian (Farsi)*
- 20. Pashto

Dardic

- 21. Kashmiri
- 22. Shina

Tibetan

- 23. Balti
- 24. Ladakhi

Dravidian

- 25. Brahui*
- 26. Gondi*
- 27. Kurukh (Oraon)*
- 28. Malto*

29. Kafir group (Nuristani languages)

- 30. Burushaski

نقشه 2 - حوزه زبانی جنوب آسیا

3 - نظام آوایی در زبان‌های مورد تحلیل

3 - 1 اردو (هندی)، از شاخه زبان‌های هندی

زبان هندی به عنوان یکی از زبان‌های شاخه هندی با بیش از 300 میلیون سخنگو در هندوستان و دیگر کشورها، پس از انگلیسی و چینی، بیشترین شمار سخنگویان در میان زبان‌های جهان را دربردارد. اردو با شباهت ساختاری بسیار به هندی و حدود بیست و سه میلیون سخنگو در هندوستان و هشت میلیون در پاکستان زبان رسمی پاکستان و ایالت جامو و کشمیر در هندوستان به‌شمار می‌آید.

گرچه در بافت فرهنگی - اجتماعی و به صورت رسمی زبان‌های هندی و اردو زبان‌هایی مجزا به‌شمار آمده‌اند، در بافت زبانی حتی لهجه یا زیرلهجه‌هایی مجزا نیز محسوب نمی‌شوند، و تنها سبک‌های ادبی متفاوتی از زبانی واحد تلقی می‌گردند.

در سطح محاوره، و در قالب دستور و واژگان اصلی آن‌ها عملاً برابرند. تفاوت‌هایی جزئی میان آنان از لحاظ کاربرد اصطلاحات و تلفظ مرسوم برخی صداها، خاص خارجی به چشم می‌خورد، که موارد فوق نیز نمی‌توانند الزاماً تعیین‌کننده هندی یا اردو بودن زبان مورد مکالمه باشند. با این حال، در سطوح ادبی و رسمی با اختلافات واژگانی آشکارتری مواجهیم، به طوری که واژگان هندی، اغلب، از سانسکریت، و واژگان اردو اغلب از عربی و فارسی نشأت یافته‌اند. مطلب فوق برای افراد غیر زبان‌شناس که زبان را متشکل از واژگان می‌دانند، منجر به تصور دو جایگاه زبانی مجزا برای هندی و اردو، بر مبنای نظام‌های نوشتاری متفاوت آنان، می‌شود (شایان ذکر است که هندی نظام نوشتاری دواناگاری¹⁶ و اردو از نظام نوشتاری فارسی - عربی بهره برده است).

بر مبنای توصیفات فوق می‌توان اذعان داشت که هندی و اردو، با وجود نظام مجزای نوشتاری هندی، به عنوان زبان رسمی هندوستان، از اردو به عنوان زبان رسمی پاکستان، در سطح گفتاری و دستوری، همانند دو مایع ریخته شده در یک ظرف، و غیرقابل تمایز از یکدیگر می‌باشند (برای توضیحات بیشتر رک. میردهقان 1379: 99). اختلافات جزئی دو زبان را نیز می‌توان محدود به مسایل سیاسی و تفاوت‌های مذهبی، هندوها و مسلمانان، در دو کشور قلمداد نمود.

16 - Devanagari

بر این مبنا، ما نیز همچون شمار غالب دیگر زبان‌شناسان (از جمله: بندر¹⁷ 1967 الف و ب، دیویسون 1991 الف و ب) اردو/هندی را زبانی واحد در نظر گرفته و به ارائه‌نمایی یکسان از صورتی معیار در آنان پرداخته‌ایم. در این ارتباط نخست دستگاه واجی این زبان در پاراگراف‌های زیر مورد توصیف واقع شده و فهرست واکه‌ها و همخوان‌های آن، با بهره‌گیری از نشانه‌های الفبای آوانگار جهانی¹⁸ در جداول 5 و 6 ارائه شده است (به منظور درک بهتر نکات واجی مورد اشتراک و افتراق در زبان‌های مورد وصف جداول واجی ارائه شده پیرامون آنان را مورد مقایسه قرار دهید).

جدول 3 - واکه‌های اردو (هندی)

	پیشین	مرکزی	پسین
افراشته	ii		uu
	i		U
افراشته میانه	e		o
افتاده میانه	(ε) ²⁰ ai	a	au ¹⁹
افتاده		aa	

از نکات قابل ذکر پیرامون واکه‌های اردو، تقابل واکه‌های دهانی و دماغی و ممیز بودن دماغی‌شدگی در این زبان است. تمامی واکه‌ها، 10 واکه ذکر شده در جدول (3)، می‌توانند به صورت دهانی یا دماغی تولید شوند، که برای نمونه می‌توان تقابل aa و AA در دو واژه هندی aak «نوعی گیاه» و AAK «چشم» را مورد اشاره واقع داشت (واکه‌های دماغی در مقاله حاضر با بهره‌گیری از حروف بزرگ انگلیسی، در تقابل با حروف کوچک برای واکه‌های دهانی، نمایش داده شده‌اند).

17 - ارنست بندر دو کتاب دستوری، یکی برای هندی و دیگری برای اردو نگاشته است، که تقریباً به جز در جزئی‌ترین سرفصل‌های بخش‌ها، کاملاً یکسانند.

18 - International Phonetic Alphabet (IPA)

19 - برای مثال در واژه naukar «خدمتکار»

20 - برای مثال در واژه hai «بودن»

از دیگر ویژگی‌های واکه‌ها، تقابل واجی واکه‌های سخت در مقابل صورت نظیر نرم آن‌ها در اردو (هندی) است. واکه‌های سخت از نظر واجی کشیده‌تر هستند، و علاوه بر آن در فراگویی آنان، افزون بر کشش، کیفیت واکه نیز بدون توجه به جایگاه واکه یا تکیه هجا، مطرح است. برای مثال، تکیه‌گذاری‌های متفاوت²¹ واژه muskaraahaT «لبخند» به صورت muskaraahaT و یا muskaraahaT تأثیری در کیفیت و کشیدگی واکه در هجای -raa- نخواهد داشت.²²

جدول 4 - همخوان‌های اردو (هندی)

		لیبی	دندانی	لثوی	برگشتی	لثوی - کامی	کامی	نرم‌کامی	ملازی	چاکنایی
انسدادی	بی‌واک	غیردمیده	p	t		T		k	(q)	(i)
		دمیده	ph	th		Th		kh		
	باواک	غیردمیده	b	d		D		g		
		دمیده	bh	dh		Dh		gh		
انسدادی	بی‌واک	غیردمیده				ç				
		دمیده				çh				
	سایشی	باواک	غیردمیده				ǰ			
			دمیده				ǰh			
سایشی	بی‌واک	(f)		s	(S)	š	x		H	
	باواک			(z)		ž	(ð)			
دماغی		m		n	(N)	(n)	(ŋ)			
زنبشی		غیردمیده		r	(R)					
		دمیده			Rh					
کناری				l						
نیپ‌واکه		w(v)				y				

21 - تکیه در هندی/اردو ممیز به‌شمار نمی‌آید، و نمی‌تواند به تنهایی واژه‌ها را از یکدیگر متمایز سازد. برای نمونه، واژه‌ای همانند kalaa «هنر»، با تکیه‌گذاری‌های متفاوت kalaa' و یا káalaa معنایی واحد را القا می‌کند (کاچرو 1987: 472).

22 - البته لازم به ذکر است، که امروزه تمایز واکه سخت ii و واکه نرم i، و نیز واکه سخت uu با واکه نرم u، در جایگاه پایانی از بین رفته است و به جز در موارد گفتار بسیار دقیق و رسمی در گونه‌هایی به شدت سانسکریتی شده، رعایت نمی‌شود (کاچرو 1987: 473).

تذکر: واج‌های داخل پراتنز در جدول (4)، معرف واج‌هایی است که در گونه‌های سانسکریتی شده و یا فارسی شده کاربرد دارند.

دو مشخصه اصلی همخوان‌های اردو (هندی)، که عمدتاً آن را از سایر زبان‌های هم‌گروه خود متمایز می‌سازد، عبارتند از: 1 - دمیدگی²³، و 2 - برگشتگی²⁴. مشخصه‌های همخوانی فوق در جدول 4 به ترتیب با استفاده از نشانه [h] در کنار آوای اصلی، و حروف بزرگ انگلیسی نمایش داده شده‌اند (تمایز میان حروف بزرگ در نمایش واکه‌های دماغی و نیز همخوان‌های برگشتی را مورد توجه واقع دارید).

بر این اساس، و همان‌گونه که در جدول 4 آشکار است، اردو (هندی) همخوان‌های دمیده /T, Th, D, Dh, R, /ph, th, Th, čh, kh, bh, dh, Dh, jh, gh, Rh/ و برگشتی‌های /T, Th, D, Dh, R, /Rh, (N), (S) را در نظام همخوانی خود شامل می‌گردد. آوای برگشتی (N)²⁵ و (S) که در درون پراتنز نشان داده شده‌اند، تنها در وام واژه‌های²⁶ سانسکریتی به کار برده می‌شوند.

از میان دیگر صداهایی که در جدول همخوان‌های اردو (هندی) در درون پراتنز نشان داده شده‌اند، یعنی /v, δ, ž, z, x, f, q, η, N/ به جز دو صدای η, n، سایر صداها جزو واج‌های اصلی زبان فارسی، و بنابراین آشنا برای فارسی‌زبانان، به‌شمار می‌آیند.²⁷ از دیگر ویژگی‌های همخوان‌ها در اردو، تقابل همخوان‌های کوتاه و بلند در این زبان است. برای نمونه به تقابل واژه pataa «آدرس» در برابر patta «برگ» در اردو توجه کنید.²⁸

3-2 - زبان پشتو، از شاخه زبان‌های ایرانی شرقی

پشتو یا افغانی یکی از زبان‌های ایرانی شرقی، به عبارتی دقیق‌تر از زبان‌های ایرانی جنوب شرقی، است، که در شرق و جنوب افغانستان و نیز در غرب پاکستان رایج است (رک. نقشه‌های 1 و 2).

23 - Aspiration

24 - Retroflexion

25 - کاربرد آوای برگشتی (N) در واژه‌های سانسکریتی پیش از واج‌های T, Th, D, Dh است.

26 - loan words

27 - دو آوای η و N که در فارسی از واج‌گونه‌های n محسوب می‌شوند، در اردو (هندی)، به ترتیب، پیش از همخوان‌های /č, čh, j, jh, š/ و /k, g, kh, gh, h/ به کار برده می‌شوند (مک‌گروگر 1972: xvi).

28 - کشش همخوانی مطرح شده در اردو، همان ویژگی مشددسازی همخوان‌ها (gemination) در زبان فارسی است، که برای نمونه موجب تمایز واژه‌های banā «بنا» و bannā «بنا» می‌شود.

بخش عمدۀ ساکنان پایتخت استان بلوچستان در پاکستان، شهر کویته²⁹، پشتو زبان هستند (جهانی 1989: 55). علاوه بر بلوچستان، پشتو زبانان به صورت گروه‌هایی محدود در چیترال، کشمیر و در ایران (در مرز افغانستان) پراکنده‌اند. از لحاظ شمار سخنگویان، پشتو با قریب به 20 میلیون سخنگو، دومین زبان عمدۀ در میان زبان‌های ایرانی نو به‌شمار می‌آید. تاریخ پیچیده و چند قرنه قوم افغان و وجود گروه‌های زیاد قبایل پشتوزبان به شاخه‌شاخه شدن قابل توجه این زبان منجر شده است. با این وجود، زبان پشتو در تدوین زبان ادبی معیار خود موفقیت‌هایی را کسب نموده است، و این موفقیت ناشی از آن است که پشتو از سال 1964 میلادی، همراه با فارسی دری به عنوان زبان رسمی افغانستان شناخته شده و در سطوح مختلف آموزش، مطبوعات، و نیز حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی 30 به کار برده شده است (همان: 55)؛ همچنین، می‌باید افزود که تمایزات لهجه‌های متفاوت پشتو عمدتاً مبتنی بر ساخت‌های واجی بوده، و نظام نوشتاری واحدی در پوشاندن این تفاوت‌های واجی اختراع و به کار برده شده است.

دو گویش عمدۀ و متمایز پشتو عبارت است از گویش جنوب غربی، و گویش شمال شرقی، که اغلب گویش «قندهار» در برابر گویش «پیشاور» شناخته می‌شود.³¹ تمایزات اصلی میان این دو گویش را، به نقل از مک‌کنزی (1959: 232) می‌توان به شرح ذیل به پنج آوا محدود دانست:

گویش جنوب غربی	گویش شمال شرقی
/ts/	(s)
/dz/	(z)
/ʒ/	(j)
/š/	(x)
/ž/	(g)

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، گویش جنوب‌غربی (قندهار) مشتمل بر واج‌هایی متمایز است، در حالی که این واج‌ها در گویش شمال شرقی (پیشاور) با واج‌های موجود زبان همپوشی آوایی یافته‌اند.

29 - Quetta

30 - تا سال 1933 تنها زبان رسمی افغانستان فارسی (فارسی افغانی) بوده است.

31 - علاوه بر رو گویش فوق مک‌کنزی (1959: 231) از دو گویش عمدۀ دیگر یعنی گویش‌های جنوب شرقی و شمال غربی نیز نام برده است.

نظام نوشتاری پشتو، مبتنی بر خط فارسی - عربی است، که بر مبنای گویش قندهار تشکل یافته است (برای توضیحی مشروح، بنگرید به بخش 3 در مقاله حاضر). فهرست کامل واکه‌ها و همخوان‌های زبان پشتو (گویش قندهار) در جداول 5 و 6 ارائه شده‌اند. توصیفات واجی ارائه شده، اساساً با تعدیل‌هایی جزئی³² بر مبنای پنزل³³ (1955) و مک‌کنزی³⁴ (1987) می‌باشد.

جدول 5 - واکه‌های پشتو

	پیشین		مرکزی			پسین
افراشته	(ii)					(uu)
		i				u
میانه			e	a	o	
افتاده			æ		aa	

واکه‌های فوق نشان‌دهنده انگاره‌ای متقارن می‌باشند، که با توجه به جایگاه زبان ارائه شده است پنزل (1955: 14). پشتو را واجد چهار واکه کوتاه /i, u, æ, a/ و سه واکه بلند /e, o, aa/ می‌داند. واکه‌های بلند /uu, ii/ (که در جدول واکه‌ای پشتو در درون پرانتز نشان داده شده‌اند)، تنها در گفتار رسمی و وجهه‌دار پشتو تظاهر می‌یابند (پنزل 1955: 1).³⁵ شایان ذکر است، که کشیدگی واکه‌های e و o به دلیل عدم وجود صورت نظیر غیر کشیده آنان، به جای ee و oo به صورت ساده نمایش داده شده است.³⁶

32 - تعدیل‌های اعمال شده عمدتاً با هدف هماهنگ‌سازی توصیف‌های زبان‌های مورد بررسی، و نیز آشناتر نمودن موارد برای فارسی زبانان، به انجام رسیده‌اند.

33 - Penzl

34 - Mac Kenzie

35 - مک‌کنزی (1987: 551) جایگاه واجی این واکه‌های بلند /uu, ii/ را از لحاظ تاریخی مورد تردید قرار داده و آن‌ها را وابسته به جایگاه و تکیه واکه دانسته است. براساس نظر وی کشش واکه‌ای اهمیت خود را در پشتو از دست داده است. با این حال، در مقاله حاضر، نگارنده ضمن پیروی از نظر پنزل (1955)، و با توجه به تحلیل‌های همزمانی سه زبان هم‌ریشه هندی/ اردو، پشتو و بلوچی (به منظور آشنایی بیشتر بنگرید به میردهقان (در دست چاپ، دانشگاه شهید بهشتی)، بر وجود واکه‌های کشیده در پشتو را مورد تأکید واقع می‌دارد.

36 - جهانی (1989: 80) نیز ضمن پذیرفتن ارزش واجی کشش واکه‌ای در پشتو o و e کشیده را به صورت ساده نمایش داده است. دستوریان پشتو واکه‌های oo: و ee: را به ترتیب «یای مجهول» و «واو مجهول» نامیده‌اند (پنزل 1955: 23).

تکیه در نظام دستوری پشتو³⁷ از نقشی عمده برخوردار بوده، و به تنهایی می‌تواند عامل تمایز عناصر واژگانی به‌شمار می‌آید. سه درجه تکیه قابل تشخیص در این زبان عبارتند از: قوی، متوسط و ضعیف (پنزل 1955: 35).

هر واژه از تکیه‌ای اصلی برخوردار است، که جایگاه آن قابل پیش‌بینی نیست. در واژه‌های ساده و فاقد تصریف و سایر وندها، تکیه اصلی (قوی) عمدتاً بر روی هجای پایانی واقع می‌شود (همان). جایگاه تکیه قوی در پشتو، با برخورداری از امکان تظاهر بر هریک از هجاها، نسبتاً آزاد می‌باشد، گرچه عمدتاً بر روی هجاهای اول، آخر و ما قبل آخر تظاهر می‌یابد (مک‌کنزی 1987: 552). برای مثال، به تقابل حاصل از تغییر جایگاه تکیه در نمونه واژه «سفید پوست» goræ «سفيد پوست» و goræ «نگاه کن» توجه نمایید.

جدول 6 - همخوان‌های پشتو

		لیبی	دندانی	لثوی	برگشتی	لثوی - کامی	کامی	نرم‌کامی	ملازی	چاکنایی
انسدادی	بی‌واک	p	t		T			k	(q) ³⁸	()
	باواک	b	d		D			g		
انسدادی سایشی	بی‌واک			ts ³⁹		č				
	باواک			dz		ǰ				
سایشی	بی‌واک	(f)		s	š	š		x		h, (h)
	باواک			z	ž	ž		y		
دماغی		m		n	N					
زنشی				r	R					
کناری										
نیم‌واکه		w		l			y			

37 - برخلاف اردو (همانند فارسی)، که تکیه در نظام دستوری آن‌ها از نقش چندان عمده برخوردار نیست، در پشتو واجد نقشی ممیز به‌شمار می‌آید.

38 - به بی‌واک بودن q در پشتو و اردو، در تقابل و واگذاری آن در فارسی، با وجود یکسانی جایگاه تولید در تمامی آن‌ها توجه کنید. پنزل (1955)، مک‌کنزی (1987) و نیز رابرتز (2000) جملگی q پشتو را ملازی بی‌واک قلمداد نموده‌اند.

39 - همان‌گونه که بیشتر دانستیم واج‌های ts و dz از واج‌های ممیز گویش قندهار به‌شمار می‌آیند، در گویش پیشاور به ترتیب به Z و S مبدل شده‌اند.

همان گونه از جدول فوق آشکار می‌گردد، علاوه بر همخوان‌های مشترک با اغلب زبان‌های ایرانی نو، پشتو انسدادی سایشی‌های دندانی dz و ts⁴⁰ و در همجواری با زبان‌های هندی - آریایی مجموعه‌ای از واج‌های برگشتی /N, R, D, T/ و نیز دو واج خاص پشتو، یعنی /š, ž/ برگشتی، را در بر می‌گیرد.

واج‌های برگشتی R, D, T با استفاده از حرکت سریع نوک برگشته زبان از جایگاهی پیش‌کامی به جایگاهی پیش‌تر در دهان (تقریباً پس‌دندانی) تولید می‌شوند.

واج N، که در فارسی واج‌گونه‌ای از n محسوب می‌شود، در پشتو با تولیدی برگشتی، در جایگاه‌های میان دو واکه و آغاز واژه به کار برده می‌شود.

دو واج خاص و برگشتی š و ž در گویش قندهار در تقابل با واج‌های نظیر غیربرگشتی خود، z, s، قرار می‌گیرند. در فراگویی همخوان‌های فوق نوک‌زبان به سمت جایگاهی پیش‌کامی به عقب برگشته و بخش پسین زبان افراشته می‌شود. تفاوت š و ž برگشته و صورت نظیر غیربرگشته آنان را می‌توان در سایش قوی‌تر این صداهای برگشته دانست.

واج‌های /h, ʔ, q, f/ که در جدول همخوان‌ها در درون پرنانتر نشان داده شده‌اند، تنها در تلفظ رسمی و وجهه‌دار وام‌واژه‌های همگون نشده فارسی و عربی به کار برده می‌شوند.⁴¹

دیگر مشخصه قابل ذکر در دستگاه واجی پشتو، که آن را از اغلب دیگر زبان‌های ایرانی نو متمایز می‌سازد، وجود خوشه‌های دو همخوانی یا (با در نظر گرفتن w) سه همخوانی در جایگاه آغاز واژه است. حدود یکصد گروه همخوانی در پشتو وجود دارد (مک کنزی: 551)،

40 - البته پنزل (1955: 2) همخوان‌های /j, ç, dz, ts/ را تنها خوشه‌هایی همخوانی همانند دیگر خوشه‌های ممکن در پشتو، و نه به عنوان واج‌هایی ممیز، در نظر می‌گیرد؛ در حالی که شواهد امر حاکی از واج بودن این صداها در زبان است (وی ژ و Ć را به صورت خوشه‌های dzh و tsh نشان می‌دهد). در مقاله فوق، نگارنده با واج در نظر گرفتن این صداهای انسدادی سایشی در پشتو، نظر مک کنزی (1987: 550) را مورد تأیید قرار داده است. هریک از صداهای فوق در خط پشتو، با نشانه‌هایی مجزا نمایانده می‌شوند. از آنجا که مشابهت خط پشتو با فارسی در فراهم آمدن درکی بهتر از این صداها برای فارسی زبانان سودمند می‌باشد، توصیف ارائه شده در بخش 3 مقاله را مورد توجه قرار دهید.

41 - پشتو زبانان اغلب f را با p (گاهی نیز با w)، و q را با k جایگزین می‌سازند، همانند: «داستان» qissa > kisæ و «واژه» lafz > lawz (نشانه > در اینجا به عنوان نشانگری بر تغییر تاریخی به کار برده شده است). انسدادی چاکنایی (که نشان‌دهنده «همزه» و «عین» عربی است) در گفتار پشتو حذف و یا سبب کشش واکه مجاور خود می‌شود: mæsælae > mæsælae «مسآله».

اغلب سخنگویان پشتو زبان ح حلقی را نیز، که تنها در وام واژه‌های عربی به کار برده می‌شود حذف می‌کنند: mækrunh > mækró «مکروه» از آنجا که این h در هیچ‌یک از زبان‌های محاوره و گفتار تحصیل کرده‌ها کاربردی ندارد، مک کنزی (1987) از ذکر آن به عنوان یک واج خودداری کرده است.

که در اینجا برای نمونه به ذکر خوشه‌هایی چند در ترکیب با -š- اکتفا نموده‌ایم: /šp-, št-, šx-, šxw-, šm-, šn-, šl-, šr-, šr-, šw/

شایان ذکر است که خوشه‌های آغازین فوق بسیار ناپایدارند و اغلب تحت تأثیر فرایندهای قلب⁴²، همگونی⁴³، و ناهمگونی⁴⁴ واقع می‌شوند. تشکیل خوشه‌های همخوانی فوق، در جایگاه‌های آغازین و پایانی هجا را می‌توان بر مبنای ترکیب نیم‌واکه‌ها، روان‌ها و دماغی‌ها در همراهی با انسدادی‌ها یا سایشی‌های باواک یا بی‌واک توصیف نمود. البته انسدادی‌ها یا سایشی‌ها خود نیز می‌توانند در همراهی با دیگر همخوان‌های واجد ارزش واکی یکسان به تشکیل این خوشه‌های همخوانی بپردازند. که برای نمونه می‌توان از خوشه‌های زیر نام برد:

/δp-, ps, pš-, tšr-, sf-, dzδ-, šxw-, nδw-, δw-, xwl-, mdz,.../

4 - نظام نوشتاری در زبان‌های مورد تحلیل

نگاهی بر فهرست واجی زبان‌های پشتو و اردو، به ویژه فهرست همخوان‌ها (جدول 4 و 6)، نمایانگر این نکته است که بخش اصلی این فهرست‌ها متشکل از آوای زبان فارسی است. نظام‌های نوشتاری دو زبان نیز بر مبنای خط فارسی - عربی سازمان یافته‌اند، و در نمایاندن واج‌های متمایز خود از اعمال تعدیل‌هایی خاص بر آن بهره می‌جویند؛ بر این مبنای هر دو زبان اردو و پشتو از الفبایی واحد (خط فارسی) در نظام نوشتاری خود استفاده می‌کنند و جهت خطوط نوشتن و خواندن در هر دو زبان نیز یکسان و از راست به چپ است.

4 - 1 - پشتو

نظام نوشتاری پشتو بر مبنای گویش قندهار تشکل یافته است. این امر را می‌توان ناشی از آن دانست که از آنجا که از میان گویش‌های پشتو، تنها گویش قندهار است که تمامی واج‌های متمایز پشتو را به عنوان واج‌هایی مجزا در برمی‌گیرد، نظام نوشتاری پشتو (زبان ادبی معیار) تنها بر مبنای انگاره واجی این گویش تشکل یافته است؛ و این در حالی است که، بازنمایی افراطی برخی از واج‌ها در سایر گویش‌ها مشاهده می‌شود. برای مثال گویش پیشاور با وجود استفاده از نمادهای خطی ح، ح، بن، د (نماینده واج‌های /tʃ/, /dʒ/, /tʃ/, /dʒ/ در گویش قندهار)، آن‌ها را به صورتی یکسان با س /s/، ز /z/، خ /x/ و گ /g/ تلفظ می‌نماید. علی‌رغم

42 - Meta thesis

43 - Assimilation

44 - Dissimilation

وجود نظام نوشتاری معیار در پشتو، مواردی این چنین اختلافات نوشتاری - تلفظی بسیاری را در واژه‌های یکسان به دنبال آورده است.

شایان توجه آن که، ĉ, ĵ در نظام نوشتاری پشتو، همانند فارسی، به ترتیب با نشانه‌های نوشتاری چ و ج نشان داده می‌شوند. صدای ts (با مشابهت با č) (نماد خطی چ) با قرار دادن سه نقطه (...) در بالای همان نماد، یعنی به صورت ĉ؛ و صدای dz (با مشابهت با ĵ) (نماد خطی ج) با قرار دادن همزه (ء)، در بالای نماد، به صورت ĵ، نشان داده می‌شود. به همین شکل، دو واج دیگر متمایز پشتو، Ĵ و Š (برگشتی)، با مشابهت با š (نماد خطی ش) و ŷ (نماد خطی ژ)، در خط به ترتیب با نمادهای Ĵ (معرف واج Š) و ŷ (معرف واج Ĵ) نمایش داده می‌شوند. در الفبای پشتو نیز Š به دنبال Ĵ و Ĵ به دنبال ŷ آمده است. همان گونه که مشاهده شد، پشتو ضمن بهره‌گیری از خط فارسی - عربی، با به کار بردن الگوهای نقطه‌گذاری خط بر روی یکی از شکل‌های اصلی، نشانه‌های جدید خود را متمایز می‌سازد (فهرست کامل حروف پشتو، در مقایسه با اردو، در پایان این بخش ارائه شده است). می‌باید توجه داشت که نظام نوشتاری پشتو تنها با انگاره واجی گویش قندهار مطابقت دارد، و نه گویشی دیگر. به منظور درک بهتر مطالب بیان شده به بیان حروف الفبای پشتو (به اقتباس از پنزل (1955: 6) می‌پردازیم:

الف - ب - پ - ت - ٹ - ث - ج - ح - چ - ح - ح - خ - ڈ - د - ذ - ر - ڙ - ز - ژ - ږ - س
- ش - ښ - ص - ض - ط - ظ - ع - غ - ف - ق - ک - گ - ل - م - ن - ڼ - و - ه - ی

4 - 2 - اردو

همانگونه بر مبنای داده‌های ارائه شده در مقاله مشهود است، نظام نوشتاری اردو (صورت معیار) حروف همخوانی را در بر می‌گیرد که از نظر آوایی و خطی در زبان اردو وجود دارند، ولی در پشتو معادلی ندارند. این حروف همخوان عبارتند از یازده حرف همخوان دمیده اردو:⁴⁵ گھ، کھ، بھ، تھ، پھ، چھ، دھ، ٹھ، ڙھ. حروف الفبای اردو، مشتمل بر 11 همخوان دمیده مزبور و 3 همخوان برگشتی (مشترک با پشتو)، در ذیل ارائه شده است:

45 - برای قیاسی مشابه میان حروف همخوان (حروف الفبایی) در زبان‌های فارسی و اردو، همراه با کاربرد آنان در صورت‌های واژگانی دو زبان، رجوع کنید به میردهقان (1379: 106 - 108؛ و 1381: 265 - 271)

الف - ب - به - پ - په - ت - ته - ٹ - ٹه - ث - ج - جه - چ - چه - ح - خ - د -
 ده - ڈ - ڈه - ذ - ر - ژ - ژه - ز - ژس - ش - ص - ض - ط - ظ - ع - غ - ف - ق -
 ک - که - گ - گه - ل - ل - م - ن - و - واه - ه - ه - ی - ے

4 - 3 - مقابله صورت‌های نوشتاری

با در نظر داشتن مطالب ارائه شده در طی مقاله و به منظور تسهیل روند مقایسه همخوان‌ها در دو زبان، فهرست همخوان‌های مزبور همراه با نمادهای خطی آنان در دو زبان در جدول 7 ارائه شده است (شایان ذکر آن‌که نشانه خط تیره (ـ) در جدول مزبور نمایانگر صداها و حروفی است که فاقد صورتی متناظر در دیگر زبان مورد بررسی است).

جدول 7 - جدول حروف همخوان در زبان‌های اردو و پشتو

حروف همخوان در خط پشتو			حروف همخوان در خط اردو			همخوان‌ها	
پایانی	میانی	آغازی	پایانی	میانی	آغازی	پشتو	اردو
پ	پ	پ	پ	پ	پ	p	P
-	-	-	په	په	په	-	Ph
ب	ب	ب	ب	ب	ب	b	B
-	-	-	به	به	به	-	Bh
ت	ت	ت	ت	ت	ت	t	t-1
ط	ط	ط	ط	ط	ط	t̤	t-2
-	-	-	ته	ته	ته	-	Th
ت	ت	ت	ٹ	ٹ	ٹ	T	T
-	-	-	ٹه	ٹه	ٹه	-	Th
د	د	د	د	د	د	d	D
-	-	-	ده	ده	ده	-	Dh
د	د	د	ڈ	ڈ	ڈ	D	D
-	-	-	ڈه	ڈه	ڈه	-	Dh
چ	چ	چ	چ	چ	چ	č	Č
-	-	-	چه	چه	چه	-	Čh
ح	ح	ح	-	-	-	ts	-
ج	ج	ج	ج	ج	ج	ĵ	Ĵ
-	-	-	جه	جه	جه	-	Ĵh
ع	ع	ع	-	-	-	dz	-

حروف همخوان در خط پشتو			حروف همخوان در خط اردو			همخوان‌ها	
پایانی	میانی	آغازی	پایانی	میانی	آغازی	پشتو	اردو
ک	ک	ک	ک	ک	ک	k	K
-	-	-	که	ک	که	-	Kh
گ	گ	گ	گ	گ	گ	g	G
-	-	-	گه	گه	گه	-	Gh
ق	ق	ق	ق	ق	ق	q	Q
غ، غ	غ	غ	غ، غ	غ	غ	γ	q, γ
ا، اء	ا، اء، و	ا، اء	ا، اء	ا، اء، و	ا، اء	.	-1
ع، ع	ع	ع	ع، ع	ع	ع	?	-2
ف	ف	ف	ف	ف	ف	f	f
و، و	و	و	و، و	و	و	w	v(w)
س	س	س	س	س	س	s	s-1
ص	ص	ص	ص	ص	ص	ʃ	s-2
ث	ث	ث	ث	ث	ث	ʒ	s-3
ز	ز	ز	ز	ز	ز	z	z-1
ض	ض	ض	ض	ض	ض	z	z-2
ذ	ذ	ذ	ذ	ذ	ذ	Z	z-3
ظ	ظ	ظ	ظ	ظ	ظ	Z	z-4
ش	ش	ش	ش	ش	ش	ʃ	ʃ
ښ	ښ	ښ	-	-	-	ʒ	-
ژ	ژ	ژ	ژ	ژ	ژ	ž	Ž
ږ	ږ	ږ	-	-	-	ž	-
ی	ی	ی	ی	ی	ی	y	Y
خ	خ	خ	خ	خ	خ	x	X
ه، ه	ه	ه	ه، ه	ه	ه	h	h-1
ح	ح	ح	ح	ح	ح	ħ	h-2
م	م	م	م	م	م	m	M
ن	ن	ن	ن	ن	ن	n	N
ڼ	ڼ	ڼ	-	-	-	N	
ل	ل	ل	ل	ل	ل	l	L
ر، ر	ر	ر	ر، ر	ر	ر	r	R
ر، ر	ر	ر	ر، ر	ر	ر	R	R
-	-	-	ر، ر	ر	ر	-	Rh

تذکر: همخوان‌ها و حروف همخوان‌هایی که در جدول شماره‌گذاری شده‌اند، نشان‌دهنده نشانه‌های نوشتاری عربی هستند که در نوشتار وام واژه‌های عربی خاصی، در هر دو زبان اردو و پشتو، به کار برده می‌شوند. این نشانه‌ها دارای هیچ‌گونه تفاوت تلفظی نبوده و صورت‌های مختلف و شماره‌گذاری شده آن‌ها به صورتی یکسان تلفظ می‌گردند. این به معنای تلفظ یکسان «ت» و «ط» (t, t)؛ «ع» و همزه (ʔ, ʔ)؛ «س - ص - ث» (s, s, s)؛ «ز - ض - ذ - مختلف و شماره‌گذاری شده آن‌ها به صورتی یکسان تلفظ می‌گردند. این به معنای تلفظ یکسان «ت» و «ط» (t, t)؛ «ع» و همزه (ʔ, ʔ)؛ «س - ص - ث» (s, s, s)؛ «ز - ض - ذ - نوشتاری مختلف برای آن‌ها خودداری کرده و صورت‌های همتای مذکور را با نشانه‌های خطی یکسانی نمایش می‌دهند.

مطالب فوق گویای بازنمایی افراطی صدایی واحد در نظام نوشتاری زبان‌های فوق است، که به سبب اقتباس خط عربی (و تمایز صداهاى مزبور در آن) در نگارش اردو و پشتو ناشی شده است.

رابطه میان حروف همخوان، نموده‌های خطی همخوان‌ها در نظام نوشتاری، در پشتو و اردو را با بیانی کلی می‌توان در 3 ارتباط نوشتاری زیر میان همخوان‌ها بیان داشت: نخست، حروف همخوانی که هم از نظر آوایی و هم از نظر خطی در پشتو و اردو بر هم منطبق‌اند.

دوم، حروف همخوانی که از نظر آوایی و خطی در زبان اردو وجود دارند، ولی در پشتو معادلی ندارند. این حروف همخوان عبارتند از یازده حرف همخوان دمیده اردو: گهه کهه بهه تهه پهه چهه دهه ژهه ژهه.

سوم، حروف همخوانی که از نظر آوایی و خطی در زبان پشتو وجود دارند، ولی در اردو همتایی ندارند. این حروف همخوان عبارتند از همخوان‌های دندانی dz و ts و دو همخوان برگشتی Ẓ و Ṣ.

5 - نتیجه‌گیری

نیای مشترک و انشعاب زبان‌های پشتو (از شاخه زبان‌های ایرانی شرقی) و اردو (از شاخه زبان‌های هندی) از خانواده زبان‌های «هندوایرانی» اشتراکات زبانی فراوانی را در آنان به همراه آورده است، که در چارچوب نظام‌های آوایی و نوشتاری در دو زبان در مقاله حاضر مورد توصیف واقع شده‌اند.

در نظام آوایی دو زبان، دو مشخصه اصلی همخوانی مشهود است که زبان‌های مورد بررسی را از سایر زبان‌های هم گروه خود متمایز می‌سازد، و عبارتند از: 1- دمیدگی، و 2- برگشتگی. از میان مشخصه‌های همخوانی فوق برگشتگی در هر دو زبان مشاهده می‌گردد، در حالی که، دمیدگی خاص اردو است. 11 همخوان دمیده اردو عبارتند از:

/ph, th, Th, çh, kh, bh, dh, Dh, jh, gh, Rh/

شایان ذکر که پشتو علاوه بر 3 همخوان برگشتی مشترک با اردو، /T, D, R/ دو واج خاص برگشتی دیگر، یعنی /S, Z/ برگشتی، را نیز در بر می‌گیرد. این زبان همچنین انسدادی سایشی‌های دندانی dz و ts را در نظام خود در بر دارد.

در نظام واکه‌ای پشتو چهار واکه اصلی کوتاه /i, u, æ, a/ و سه واکه بلند /e, o, aa/ قابل مشاهده است. در این ارتباط، از نکات قابل ذکر پیرامون واکه‌های اردو، تقابل واکه‌های دهانی و دماغی و ممیز بودن دماغی‌شدگی در این زبان است. واکه‌های اردو همان 10 واکه هندی کریبولی است، و تمامی واکه‌های فوق، می‌توانند به صورت دهانی یا دماغی تولید شوند. در نظام نوشتاری، رابطه میان حروف همخوان، یا به عبارتی نمادهای خطی همخوان‌ها، در پشتو و اردو به صورت انطباق کامل دو زبان، یا وجود حروف همخوان در هریک از زبان‌ها بدون همتایی در زبان دیگر قابل بیان است.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن. 1373. تاریخ زبان فارسی. تهران: سمت.
- ارانسکی، یوسف م. 1378. زبان‌های ایرانی. علی‌اشرف صادقی. تهران: انتشارات سخن.
- میردهقان، مهین‌ناز. 1379. "نظام آوایی و الفبایی زبان اردو و چند نکته درباره دستور و واژگان آن". مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران. س 1، ش 1: 95 - 116.
- میردهقان، مهین‌ناز. 1381. "آموزش زبان فارسی به اردو زبانان". مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. س 35، ش اول و دوم: 249 - 273.
- میردهقان، مهین‌ناز. (در دست چاپ). حالت‌نمایی افتراقی در زبان‌های هندی/اردو، پشتو و بلوچی، در چارچوب بهینگی واژ - نقشی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

Bender, Ernest. 1967a. *Hindi Grammar and Reader*. Philadelphia: University of Pennsylvania.

- Bender, Ernest. 1967b. *Urdu Grammar and Reader*. Philadelphia: University of Pennsylvania.
- Davison, A. 1991a. "Feature Percolation and Agreement in Hindi-Urdu". *Paper presented at the South Asian Conference*. University of Wisconsin.
- Davison, A. 1991b. "Finiteness and Case in Hindi-Urdu Complements". *Paper presented at the Eleventh South Asian languages analysis roundtable*. University of Illinois, Urbana-Champaign.
- Deo, Ashwini, and Devyani Sharma. 2006. "Typological variation in the ergative morphology of IndoAryan languages", pp. 369-419, *Linguistic Typology* 10:3.
- Jahani, Carina. 1989. *Standardization and Orthography in the Balochi Language*. Uppsala.
- Kachru, Yamuna. 1987. "Hindi-Urdu." In B. Comrie (ed.) *The World's Major Languages*. London: Croom Helm. pp. 470-490
- Klaiman, M.H. 1987. "Mechanisms of Ergativity in South Asia," pp. 61-102, *Lingua*, Vol. 71, Elsevier Science, Amsterdam.
- MacKenzie, D. N. 1959. "A Standard Pashto." In *Bulletin of the school of Oriental and African Studies* Vol. 22, No. 1/3: 231- 235. University of London.
- MacKenzie, D. N. 1987. "Pashto." in B. Comrie (ed.), *The World's Major Language*. New York: Oxford University Press, pp. 547-567.
- Masica, C. P. 1976. *Defining a Linguistic Area: South Asia*. Chicago: University of Chicago Press.
- Masica, C. 1991. *The Indo-Aryan languages*. Cambridge: Cambridge University Press.
- McGregor, R.S. 1972. *Outline of Hindi Grammar: with exercises*. Oxford: Oxford University Press.
- Payne, J. R. 1987. "Iranian Languages." In B. Comrie (ed.) *The World's Major Languages*. London: Croom Helm. pp. 514-522,
- Penzl, Herbert.1955. *A Grammar of Pashto: A Descriptive Study of the Dialect of Khandahar, Afghanistan*. Washington, D.C.: American Council of Learned Societies.
- Roberts, Taylor. 2000. *Clitics and Agreement*. Doctoral dissertation. MIT. Distributed by MIT Working Papers in Linguistics.